

بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید (دوره مشروطیت)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۰

محمد بیطرفان^۱

چکیده

انقلاب مشروطیت فضای مناسبی جهت تسریع انتقال اخبار و بعضاً رشد آگاهی‌های عمومی به ارمغان آورد. از این‌رو، روزنامه‌های آزاد یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب مشروطیت بود. این جستار دو هدف عمده را دنبال می‌کند. یکی بررسی شکلی روزنامه هم‌چون نوع چاپ، کاغذ، ساختار روزنامه و ...، دیگری بررسی و تحلیل مسائل عمده سیاسی و اجتماعی ایالت خراسان. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که روزنامه خورشید با وجود روزنامه بشارت، مهم‌ترین جریده مشهد در دوره مشروطیت بود؛ زیرا این روزنامه آئینه تمام‌نمای تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهر مشهد و ولایات خراسان در دوره مشروطیت محسوب می‌شود. این روزنامه در کنار توجه به مسائل شهری و برون‌شهری مشهد، با مقالات متنوع سیاسی، طنز و علمی به روشنگری و تنویر افکار عمومی می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و بر اساس بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید است.

واژگان کلیدی: روزنامه خورشید، مشهد، خراسان، مشروطیت

مقدمه

با شکل‌گیری مشروطیت، موجی از روزنامه‌ها و اعلامیه‌های مختلف درون فضای سیاسی کشور متولد شد. این جریان پیشتر مرهون یک دوره سلطنت مستبدانه شاهان قجری بود. با بررسی این دوره از تاریخ کشور به عقب ماندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی پی برده می‌شود. جدای از این که ضعف دولت قاجاریه (به خصوص از زمان دومین شاه این سلسله) مناسبات سیاسی ایران و دیگر کشورها (بویژه انگلستان و روسیه) را به جریانی یک سویه تبدیل کرد؛ باعث جدا شدن بخش عظیمی از جغرافیای طبیعی ایران شد. این جریان در کنار ضعف و سستی شاهان این سلسله و ناکارآمدی آنان از بوجود آوردن بوروکراسی مطمئن، ارتش حرفه‌ای و اقتصادی متأثر از برنامه‌ریزی قوی، نه تنها باعث برآورده نشدن آرزوی ایرانیان مبنی بر ایجاد یک کشور قدرتمند شد؛ بلکه با به فروش گذاردن ایالات، سخت گرفتن بر تجار، به وجود نیارودن امنیت سرمایه و مالکیت خصوصی و سرانجام حراج سرزمین ایران در برابر امتیازات گوناگون به خارجیان، به تنش و جدایی بیشتر ملت از دولت دامن زد. تا این که جمع این مؤلفه‌ها با در نظرگیری انتقال و تحول اندیشه‌های روشنفکران در چند مرحله تاریخی، در کنار پیوند با روحانیت، مقدمات ذهنی و عینی انقلاب مشروطیت را رقم زد. بنابراین شگفت نبود که بعد از انقلاب مشروطیت، شاهد به وجود آمدن جراید بی‌شماری از ولایات و ایالات مختلف ایران باشیم. مهم این که آن چیزی که ما در دوران مشروطه اول می‌بینیم، (جدای از فهم و یا عدم فهم مبانی قانون و اندیشه مشروطه خواهی) حاکی از شور و اشتیاق مردم (بویژه شهرها) در دفاع از مشروطیت بود.

به هر طریق روئیدن روزنامه‌ها در شهرهای ایران به یک تناسب نبود. به قول /دوارد برون (۱۳۸۶، ج ۱: ۴۶۴) فقط در سال ۱۳۲۵ ه.ق. که اوج اعتلای روزنامه‌های ایرانی بود، هشتاد و چهار روزنامه پدید آمد. محیط طباطبایی (۱۳۶۶: ۱۳۳) معتقد است در این سال ۷۷ روزنامه منتشر شد، که «۴۸ روزنامه در پایتخت و هشت تا در اصفهان و هفت تا در رشت و سه روزنامه در همدان چاپ می‌شد و شهرهای مشهد و شیراز و یزد و کرمانشاه و ارومیه و انزلی به هر کدام یک روزنامه می‌رسید. سهم تبریز از اصفهان و

رشت کمتر بوده و پنج روزنامه جدید در آن شهر انتشار داده بود در صورتی که بعضی روزنامه‌های سال پیش هنوز به حال انتشار باقی بودند».

به هر حال، از صدور فرمان مشروطیت تا به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی، فصلی جدیدی در تاریخ روزنامه‌نگاری کشور گشوده شد. با بررسی و تأمل در «فهرست‌ها، روزنامه‌ها و به‌طور کلی متون بر جای مانده شاید بتوان ۳۵۰ عنوان را احصاء کرد که بیش از ۵۰ درصدشان از بین رفته‌اند» (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۱).

روزنامه خورشید پس از جریده بشارت در مشهد منتشر شد. اما از لحاظ محتوایی، تعدد نشر و زمان انتشار در جایگاه بالاتری نسبت به بشارت قرار می‌گیرد. هر چند نباید محتوا و مطالب روزنامه بشارت را در آن دوره تاریخی نادیده انگاشت.

این پژوهش فقط به بررسی و تحلیل داده‌های روزنامه مثل مقاله، خبر و ... که مربوط به خود روزنامه یا خبرنگاران آن است می‌پردازد. لذا از بررسی و تحلیل مشروح مذاکرات انجمن معدلت رضوی (انجمن ایالتی)، انجمن بلدیه، تلگراف‌ها و ... - که فقط به‌صورت گزارش از این انجمن‌ها است - خودداری می‌شود.

سه سؤال راهگشای تحقیق حاضر شد: ۱- ساختار شکلی روزنامه خورشید چگونه بوده است؟ ۲- محتوای مقاله‌های روزنامه براساس چه مبنا و محوری بوده است؟ ۳- آیا روزنامه خورشید توانست به تنویر افکار عمومی بپردازد؟

۱- معرفی صاحب امتیاز و نگارنده خورشید

در منابع تاریخی درباره نویسنده و صاحب امتیاز روزنامه خورشید سخن کمی رفته است. اطلاعات ما از محمد صادق تبریزی (معتدالسلطان) بسیار ناچیز و فقط در مورد عملکردش در روزنامه ادب و خورشید است. آنچه که مشخص است وی پیش از اینکه روزنامه خورشید را منتشر کند، نزدیک به ۲۰ سال در تنظیم و نشر جراید فارسی تلاش و کوشش وافر داشته است.^۱ نخستین کار مطبوعاتی وی در روزنامه ادب خراسان رقم خورد. از گزارش روزنامه / ادب بر می‌آید که وی به معاونت ادیب الممالک فراهانی در

۱. روزنامه معارف، سال اول، ش ۱۹، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۸.

اداره روزنامه برگزیده شده است (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۵۳)، و در زمان مسافرت ادیب الممالک به قفقاز در سال ۱۳۱۹ ق.، شماره‌هایی از ادب را به طبع رسانیده است. وی غیر از پیشه روزنامه‌نگاری برای پیشرفت علم و معارف، مدرسه و کتابخانه در شهر مشهد تأسیس نمود.^۱ زیرا مشوق مدارس جدید و ترقیات عصر نوین بود.^۲

به هر حال، به نظر می‌رسد وی یکی از اشخاص معروف الحال مشهد بوده است. روزنامه حکمت، وی را فردی آزادی خواه می‌داند چنان که می‌آورد: «این آزاده مرد بزرگ از بیست و سال و اند زحمت روزنامه‌ها و جراید فارسی و عربی را در ایالت خراسان بدوش گرفته، در توزیع جراید و نشر معارف خودداری نکرده است و او اول کسی است در آن کشور که قدیماً منبع علم و فضل بوده و اکنون معدن اختلاس و جهل است. درفش معارف را بدست گرفته حیّ علی الفلاح گویان و در شاهراه حیّ علی خیرالعمل پویان است».^۳

میرزا محمدصادق تبریزی اخبار را به صورت راست و درست انتقال می‌داده است، تا جایی که به خاطر امانتداری و صداقت در نشر اخبار، مورد ضرب و جرح و حبس قرار گرفت. روزنامه روح القدس درباره این جریان می‌آورد: «خراسان که معظم‌ترین بلاد ایرانست - بعد از مدتی سیر در جاده ترقی بتازه در طریقه ترقی معکوس افتاده ... علماء سوءشان گاهی فتوا به بستن مدارس جدید می‌دهند زمانی تکفیر مشروطه خواهان را پیش‌نهاد می‌کنند - ایامی دست بعدم نشر جراید و کتک زدن و حبس نمودن مدیر و وکیل جراید می‌گشایند - میرزا صادق خان مدیر جریده خورشید را بپاداشت گفتن حرف حق - که گردن کلفتهای آستانه اموال فقرا نباید صرف شراب و کباب نمایند - خوب است اموال حضرت رضا را به بانک ملی داده تا عموم فقراء و ضعفاء ملت بهره‌مند گردند - باید کتک بزنند - اداره اشرا غارت کنند - روزنامه اشرا توقیف نمایند - بعلاوه حکم بعدم نشر جراید سایر بلاد بدهند ...».^۴

با توجه به اخبار تاریخی به نظر می‌رسد گسترش روزنامه در اقصی نقاط ایران زیاد

۱. همانجا، روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۲۱، صفر ۱۳۲۵: ۳.

۲. روزنامه حبل المتین کلکته، سال چهاردهم، ش ۴۲، جمادی الاول ۱۳۲۵: ۱۸.

۳. روزنامه حکمت، سال پانزدهم، ش ۸۸۳، صفر ۱۳۲۵: ۶-۷.

۴. روزنامه روح القدس، سال اول، ش ۲۸، جمادی الاول ۱۳۲۶: ۴.

بوده است. به طوری که این روزنامه در کلکته هندوستان، تهران، تبریز، اصفهان و ... به خوانندگان آن عرضه می‌شده است.^۱ همچنین مطالب روزنامه مورد استناد جراید دیگر قرار می‌گرفت و یا اخبار آن انعکاس پیدا می‌کرد.^۲

۲- بررسی شکلی روزنامه

صدرهاشمی (۱۳۶۳: ۲۵۱-۲۵۲) در توصیف شکلی روزنامه درباره شماره اول می‌آورد: «... در عنوان آن تصویر خورشید و در زیر آن تصویر اسم روزنامه و پائین‌تر آن سال انتشار و در زیر سال انتشار این مجله ... درج است». ولی این توصیف از شماره ۳ روزنامه می‌باشد. زیرا در شماره اول و دوم تصویر خورشید وجود ندارد و از شماره ۳ است که نیمه خورشیدی در بالای روزنامه قرار می‌گیرد. به غیر تصویر نیم خورشید در بالای صفحه نخست، روزنامه از نمادهای تصویری دیگر به خاطر نوع ابتدائی روزنامه‌نگاری برخوردار نیست. وی در ادامه می‌گوید: «خورشید معمولاً در هشت صفحه بقطع وزیری ۱۲+۷ سانتیمتر در مطبعه سربی «دارالطباعة طوس. میر مرتضی الموسوی» طبع و توزیع می‌شد (همانجا). ولی حقیقت این است که خورشید تا شماره ۶ به صورت چاپ سنگی بود. محمدصادق تبریزی صاحب امتیاز روزنامه درباره تغییر شیوه از سنگی به سربی می‌آورد: «جمعی از هواخواهان معارف و مروجین جراید ... طبع خورشید را در مطبعه سنگی صلاح ندانسته تبدیل او را بمطبعه سربی که امروزه معمول و متداول مطبوعات بلاد متمدنه است اظهار و اصرار» فرمودند.^۳ روزنامه معمولاً در هشت صفحه به قطع وزیری بزرگ منتشر می‌شد و هر صفحه آن شامل دو ستون بود؛ ولی در اغلب موارد یک نیم ستون در پاورقی روزنامه برای درج مفاهیم سیاسی و علمی اختصاص داشت. از شماره ۱۸ به دلیل اصرار "جمعی از بزرگان خبیر کارآگاه" روزنامه از هشت صفحه به

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: روزنامه حبل المتین کلکته، سال چهاردهم، ش ۴۲، جمادی الاول ۱۳۲۵: ۱۸؛ روزنامه عدالت، سال دوم، ش ۴۲، ربیع الاول ۱۳۲۶: ۸؛ روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۱۳، صفر ۱۳۲۵: ۸.

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۶۹، شعبان ۱۳۲۵: ۳؛ همان، سال دوم، ش ۱۸۸-۱۸۹، ۲۱ محرم ۱۳۲۶: ۴.

۳. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۶، صفر ۱۳۲۵: ۱.

چهار صفحه کاهش، و به نشر چهار مرتبه در هفته افزایش پیدا کرد.^۱ نوع کاغذ روزنامه در ابتدا که به صورت سنگی منتشر می شد تعریف چندانی نداشت، لیکن پس از انتشار شماره‌های نخست و تغییر چاپ از نسخه سنگی به سربی کیفیت کاغذ بهبود یافت. وجه اشتراک سالیانه تا شماره ۵ در شهر مشهد ۱۸ قران، در سایر شهرهای ایران ۲ تومان، در ترکستان و قفقاز ۵ منات و در سایر شهرهای خارج ایران ۱۲ فرانک بود. اما از شماره ۶ تا ۱۷ به خاطر این که نوع چاپ از سنگی به سربی تغییر داده شده بود، قیمت روزنامه "یک ثلث اضافه" گردید.^۲ بر این اساس قیمت روزنامه در مشهد ۲ تومان، سایر شهرهای ایران ۲۲ قران، ترکستان و قفقاز ۶ منات و سایر شهرهای خارجی به ۱۴ فرانک تغییر یافت. تا این که دوباره از شماره ۱۸ به خاطر "خرج کاغذ و طبع" آن مقداری بر قیمت روزنامه افزوده شد.^۳ چنان که در شهر مشهد ۳۲ قران، سایر شهرهای ایران ۳۶ قران، ترکستان و قفقاز ۸ منات و سایر بلاد خارجه ۲۰ فرانک برآورد شد. در ضمن قیمت یک نسخه تک فروش سه شاهی معین گردید. هم چنین قیمت تبلیغات و یا "اعلانات" در روزنامه تا شماره ۱۷ سطری ۱۰ شاهی بود. اما از شماره ۱۸ قیمت اعلانات در صفحه اول سطری ۱۰ قران و در صفحه آخر، همان سطری ۱۰ شاهی عنوان شد. این روزنامه تا شماره ۶ هفته‌ای یک مرتبه، آن هم فقط در روزهای چهارشنبه طبع می شد. اما از شماره ۷ روز توزیع از چهارشنبه به روز شنبه تغییر پیدا کرد.^۴ تا این که از شماره ۱۸ به بعد روزنامه ۴ مرتبه در هفته چاپ می شد. ولی همیشه چاپ و ارسال روزنامه به طور منضبط نبود. این جریان هم دلایلی داشت: گاهی به خاطر تغییر چاپ از سنگی به سربی و نبود حروف کافی سربی، روند چاپ روزنامه دچار وقفه می شد.^۵ گاهی هم به جهت ناخوشی حروف چین‌های مطبعه، این مهم با تأخیر و وقفه روبه‌رو می گشت.^۶

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۸، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲.

۲. همان، ش ۶، صفر ۱۳۲۵: ۱.

۳. همان، ش ۱۸، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۲.

۴. همان، ش ۷، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۱.

۵. همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۱.

۶. همان، ش ۴۴، شعبان ۱۳۲۵: ۱.

رویه واگذاری اشتراک چنان بود که پس از قبول چهار نسخه از طرف مشترکین، اسامی آنان به عنوان مشترک سالیانه ثبت می‌شد. هر چند در ادامه به خاطر سلیقه خرید مردم، فروش تک شماره به قیمت ۳۰۰ دینار هم در جایگاه‌های مشخص باب شد.^۱ طرح و برنامه خورشید در ابتدای امر ارسال روزنامه برای "غالب آقایان از اعیان و اشراف و تجار و کسبه و غیره" بود. هر چند "متوقع" بود "هر کس نپذیرفت با اداره اطلاع بدهد و نمره گرفته را پس بفرستد. و الا پس از قبول چهار نمره اسامی آنها" در دفتر مشترکین ثبت می‌شد.^۲ زیرا در ایران مرسوم بود "روزنامه‌ها و جراید را بدون این که کسی بخواهد یا اعلام کند به منازل مردم" می‌فرستادند.^۳

مسلک و روش روزنامه تا شماره ۱۷ در سرلوحه آن بدین شرح عنوان شد: «این روزنامه در آنچه راجع بترقی و تربیت ملت و منافع دولت باشد بحث می‌کند و هر گونه لایحه که منافی با دین و دولت نباشد قبول و درج خواهد شد». اما از شماره ۱۸ به بعد سرلوحه روزنامه به شرح ذیل تغییر یافت: «این روزنامه در آنچه راجع به ترقی و تربیت ملت و منافع و مصالح دولت باشد بحث می‌کند و هر گونه اخبار شهری و حوادث محلی و مطالب راجع به انجمن‌های خراسان مخصوصاً انجمن ایالتی و اخبار ولایات جزء و مطالب آستان قدس و مدارس و مکاتب و غیره درج می‌شود مراسلات عام‌المنفعه قبول و اداره در انتشارش آزاد است. مکاتیب بیامضا درج نمی‌شود اجرت پست در همه جا به عهده اداره است».

نخستین شماره روزنامه در تاریخ چهارشنبه ۲۱ محرم ۱۳۲۵ چاپ شد و آخرین شماره سال اول آن - یعنی شماره ۱۲۰ -، تاریخ اول صفر ۱۳۲۶ را دارد. کسانی همچون بروان، صدرهاشمی و رضوانی معتقدند که شماره آخر سال اول روزنامه، شماره ۱۰۴ به تاریخ ۲۵ ذی‌الحجه ۱۳۲۵ است (بروان: ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۵۷؛ صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۵۲؛ رضوانی، ۱۳۷۹: ۲۲). این در حالی است که شماره ۱۲۰ از لحاظ تاریخ انتشار و به گواهی سخن خود محمدصادق تبریزی آخرین شماره سال اول بود.^۴

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۷، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۱.

۲. همان، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۳.

۳. روزنامه صوراسرافیل، سال اول، ش ۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸.

۴. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۲۰، صفر ۱۳۲۶: ۱.

روزنامه در مخزن کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه ملی و دانشگاه تهران دارای ۱۲۰ شماره است، که در صدمین سالگرد فرمان مشروطیت چاپ و توزیع شد. اما این ۱۲۰ شماره تمامی روزنامه نیست. زیرا به گواهی بروان و صدر هاشمی این روزنامه تا سال ۱۳۲۹ ق. منتشر می‌شده است (بروان، ۱۳۸۶: ج ۱: ۵۵۸؛ صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۵۲). به طوری که از سال دوم تا سال چهارم به طور پراکنده برخی از شماره‌های آن در کتابخانه‌های قدیمی موجود است. چنانچه در کتابخانه آستان قدس رضوی از سال دوم شماره ۲ (۱۴۱-۱۴۲)، از سال سوم ۳ شماره (۴۹-۵۱) موجود است (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸: ۷۱۷).

۳- بررسی محتوایی روزنامه

به اعتقاد نگارنده این سطور - با توجه به تتبع و تورق اکثر مطالب روزنامه، منش و مسلک جریده خورشید، برخلاف رویه افراطی جراید دیگر که بیشتر در تهران و تبریز بودند، در موضع اعتدالی و اتفاق و ترقی ایرانیان (به مثابه ایران برای همه ایرانیان) قرار داشت. ادوارد براون (۱۳۸۶، ج ۱/۵۵۷) هم از موضع اعتدالی روزنامه یاد می‌کند؛ برخلاف رایینو (۱۳۸۰: ۱۳۳) که خورشید را در سلسله مراتب روزنامه نگاران دمکرات قرار می‌دهد. آنچه که مشخص است نگارنده خورشید در جای جای روزنامه هر گاه فراغتی حاصل نموده در قالب مقاله، خبر، خطابه و ... به فراخواندن مردم به اتحاد و اتفاق دعوت کرده است.

روزنامه خورشید تقریباً از نیمه‌های دوره‌ی انتشارش، به خاطر جو سیاسی حاکم، کم‌کم از غنای مطالب علمی‌اش کاسته و بیشتر حول انعکاس مشروح مذاکرات انجمن ایالتی و گزارش‌هایی از ولایات خراسان محدود شد. ولی تقریباً از زمان آغاز نشر بخش چهارم سال اول، با اختلافی که بین صاحب امتیاز روزنامه و اعضای انجمن ایالتی به وجود آمد، درج مقالات سیاسی طنز و علمی دوباره رواج یافت.

هم‌چنین به نظر می‌رسد استقبال شایانی از خرید روزنامه صورت نمی‌گرفت. زیرا نگارنده روزنامه در چند جا به طور تلویحی اشارات کوتاهی به کسری درآمد و کمبود

مشترکین روزنامه می‌کند. حتی مثال‌هایی از شهرهای ناحیه قفقاز می‌زند که حامیان جراید نگذاشتند روزنامه‌ها غروب کنند. این در حالی است که محمد صادق تبریزی به طور ضمنی در مقاله‌ای طنز اخطار می‌دهد اگر به حمایت تنها روزنامه مشهد برنیایند احتمال اینکه این روزنامه نتواند در سال دوم منتشر شود دور از نظر نیست.^۱

روزنامه خورشید از لحاظ محتوایی ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد، که با توجه به گستردگی مطالب به چند دسته تقسیم می‌شوند: (۱) توجه به مسائل علمی؛ (۲) توجه به امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر مشهد؛ (۳) انعکاس درخواست‌ها، مشکلات و اعتراض‌های ولایات خراسان؛ (۴) نگاه خاص به حالات و اتفاقات مسقط‌الراس جریانات سیاسی کشور (تهران) و دیگر ایالات و ولایات ایران؛ (۵) نشر اخبار خارجی؛ (۶) درج سلسله مقالات سیاسی جدی و طنز؛ (۷) درج "اعلانات" یا تبلیغات.

۳-۱- توجه به مسائل علمی

نظر محمدصادق تبریزی در زمینه ورود به عصر جدید چنین است: «ای ابناء عزیز وطن ایام کسالت و بطالت گذشت و روز بیداری و هشیاری در رسیده، نور علم و تمدن آفاق عالم را روشن و منور داشته، پس دیگر تکلیف ما مثل ایام گذشته اظهار عجز و کسالت و نمی‌توانم و نمی‌شود نیست؛ امروز باید در تحصیل لوازم ترقی و تربیت و جلب و حصول منابع ثروت با کمال جهد و اطمینان شب آنروز نشناخته بشکرانه این نعمت با دل و جال و دست و زبان حاضر باشیم ... امروز تکلیف دانایان و محرّرين است که آنچه خیر دولت و ملت را بدانند بنویسند و خوابیدگان ملت و جهّال مملکت را از خواب غفلت بیدار و در استحکام روابط اتحاد و اتفاق و دفع و رفع شقاق و نفاق سعی و کوشش نمایند، راه را از چاه، سفید را از سیاه نشان بدهند ...»^۲.

آن‌چه از روزنامه خورشید برمی‌آید نشان می‌دهد که نگارنده آن اهمیت بسیاری به کسب علم می‌داد. وی در این باره می‌آورد: «آیا دیگران چه دارند که ما نداریم؟ جز علم که اصل مایه وصول بکلیه مراتب قدرت و ثروت است، همه می‌دانیم که علم نداریم و

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۰۹، محرم ۱۳۲۶: ۴.

۲. همان، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۴.

مایه تمام نیک‌بختی‌ها علم است باز در هیچ‌کدام از بلاد مملکت ما چند باب مدرسه علمی و صنعتی بلکه مکاتب ابتدائی صحیح هم نداریم...»^۱.

وی در جای دیگر آورده است: «تا ابواب علم و آگاهی بروی ابناء وطن همیشه مفتوح باشد که اصل و مایه تحصیل سعادت و نیک‌بختی ملت بسته بکثرت علم و اطلاع ایشان است و آن هم بعد از تأسیس مدارس در قرائت‌خانه‌های ملی دستیاب خواهد شد»^۲.

خورشید گذشته از تحسین علم و تقبیح نادانی، برخی از مسائل علمی روز را هم در روزنامه آورده است؛ تا جایی که به تشریح برخی حوزه‌های علمی مثل "علم الاقتصاد" پرداخته است.^۳ هر چند طرح این مسائل با آن نگاه عمقی به تشریح علوم، در آن دوره زمانی که حتی نمایندگان و بعضاً سیاسیون ایران از درک علمی بالایی برخوردار نبودند، ضرورتی نداشت. این جریان را می‌توان از بی‌توجهی خوانندگان روزنامه به این بخش از جریده دریافت.^۴

خورشید هم‌چنین "سرگذشت بوریس ابوسس - یا قصبچه زورآباد" که اثر "مسیو سانیریک" بود را برای آگاهی خوانندگان به صورت پاورقی در چندین شماره از روزنامه چاپ نمود. مؤلف این کتاب که در اوائل قرن هفدهم میلادی می‌زیست، پیشتر این رمان را برای تنبه اهالی فرانسه نگاشته بود. نگارنده معتقد بود که وضعیت داستان با وضعیت حالیه ایران مشابهتی تام داشت؛ بدین خاطر به ترجمه و نشر آن اقدام نمود.^۵ ولی بعدها همین مقاله و بعضاً مقالات دیگر مورد انتقاد انجمن ایالتی خراسان قرار گرفت. زیرا

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۵.

۲. همان، ش ۴۲، رجب ۱۳۲۵: ۴.

۳. کتاب علم الاقتصاد در چندین شماره روزنامه به صورت پانوش و جدا از اخبار عرفی روزنامه چاپ می‌شد. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: شماره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱.

۴. همان، ش ۸، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۴.

۵. این سرگذشت‌نامه که بیشتر در محیط فرانسه قرن هفدهم با نگاه روشنگرانه به مسائل سیاسی نگاشته شده بود؛ با توجه به عدم سواد و فهم جمعی از مسائل سیاسی دنیای متجدد غرب، نمی‌توانست در نظر اندک خوانندگان روزنامه مورد توجه قرار گیرد. چنانچه انجمن ایالتی خراسان به این سیاست روزنامه اعتراض کرد. علاقه به خوانش این‌گونه رمان‌های سیاسی در آن دوره ایران شاید به عدد انگشتان یک دست نمی‌رسید. رسالت روزنامه بیشتر بر مبنای گسترش فهم عمومی از اتفاقات و مسائل جاری کشور بود - هر چند روزنامه‌نگاران بر ذمه خود می‌دانستند تا حدودی عامه مردم را به مباحث سیاسی و حقوقی آشنا سازند- ولی این جریان نمی‌توانست بر خوانندگان اثر متناهی بگذارد. حتی درک مسائل تاریخ فرانسه آن هم به صورت رمان که در ایران سابقه چندانی نداشت، بعدها زمینه‌های اعتراض برخی‌ها را از این روش روزنامه به وجود آورد. با این حال، این روزنامه در چندین نوبت به درج این رمان پرداخت: شماره‌های ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴.

نمایندگان انجمن به درستی معتقد بودند: «اولاً اینکه پاره مطالب در روزنامه درج می‌شود که کسی ملتفت نمی‌شود و کمتر کسی آن مطالب را می‌فهمد. مردم چه می‌دانند که قصبچه زورآباد کجا است ... این‌گونه تفصیلات مجعوله در روزنامه برای عموم ملت چه فایده دارد. مطالب روزنامه باید صاف و روشن باشد تا همه کس بفهمد! تا قلوب مایل بشنیدن و طباع حریص بخواندن باشد»^۱.

انتقادات دیگری هم از روزنامه شد که مهمترین آن بی‌گمان در این سخن نهفته است: «... تلگرافات واصله را بالتمام درج نمی‌کند گاهی بعضی را هیچ درج نمی‌کند، مثل این که تلگرافات آذربایجان و کرمان و غیره را درج نکرده و یکی دو کلمه از آن‌ها از قلم انداخته، معلوم می‌شود مدیر روزنامه ملاحظه می‌کند و حال آنکه روزنامه آزاد است و مدیران جرأید نباید ملاحظه و ترس از احدی داشته باشند و بدون خوف و بیم تمام وقایع و اخبار را بنویسند خاصه تلگرافات را که این ایام از هر جا می‌رسد یا از اینجا مخابره می‌شود ... [هم‌چنین] حکایت بوریس ابوسیس» را حذف نماید.^۲

این جریان باعث واکنش مدیر روزنامه شد که در جوابیه نکته جالبی نهفته است: «اولاً این که می‌فرمایند فلان مطلب باید درج شود و فلان فقره درج نشود، برای این که روزنامه آزاد است در صورتی که همین فرمایش آقایان سلب آزادی از روزنامه کردن است و آنگهی مدیر روزنامه حق دارد هر مطلبی را که نافع و مفید بداند [بنویسد] ... و آنگهی این ایرادات وقتی وارد است که ایراد کننده شرکتی در کلیه امور اداره روزنامه داشته باشد یعنی به نفع و ضرر او شریک باشد یا مؤسس آن اداره باشد ...»^۳.

خورشید در مقاله‌ای دیگر با عنوان "ریاست تجارت خراسان"، اولین لوازم ثروت و آبادی مملکت را تکمیل و ترویج سه اصل "فلاح، صنعت و تجارت" معرفی می‌کند. بنابراین به گسترش تجارت در ایران تأکید می‌ورزد، زیرا اولین فریضه دولت‌های متمدنه را ترویج تجارت می‌داند. جالب این که از پیامدهای تجارت دول سیاسی، زیرکانه به "نفوذ سیاسی" در ممالک عقب افتاده اشاره می‌نماید. به هر حال، امری که نگارنده این

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۸۷، ذیقعدہ ۱۳۲۵: ۳.

۲. همانجا.

۳. همان، سال اول، ش ۸۷، ذیقعدہ ۱۳۲۵: ۴.

مقاله را به نگاشتن این مقدمه مهم تهییج کرد، "ورود ریاست تجارت خراسان" بود.^۱ خورشید دو مقاله علمی دیگر می‌نگارد که از لحاظ ادبی و اجتماعی بسیار مهم بود. یکی درج مقاله "ادبیه" به نگارش یکی از فضلالی خراسان، که به معنا و مفهوم واژه ادب می‌پرداخت.^۲ دیگری مقاله‌ای به نام "انجمن بلدیه شغلش چیست"، که انگیزه اصلی آن متنبه کردن مردم جهت انتخاب وکلای انجمن بلدیه بود.^۳

۳-۲- توجه به امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر مشهد

در زمینه امور شهری، روزنامه رسالت خود را درج اخبار و بعضاً چاپ مکتوبات شهری می‌دانست. در این بخش در کنار پرداختن به مسائل عمده شهری، به ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل دزدی، زد و خورد و درگیری، تجاوز، حادثه دلخراش، قتل و ... اشاره شده است.^۴ هم‌چنین به زعم نگارنده مهم‌ترین عملکرد روزنامه، پرداختن به مسائل فرهنگی از جمله تشویق بزرگان جهت تأسیس و بسط مدارس و قرائت‌خانه بود.^۵ اخبار روزنامه در شماره‌های نخست بیشتر حول مسائل عمده شهری بود. ولی با

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۳۱، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲.
۲. همان، ش ۳۶، رجب ۱۳۲۵: ۴؛ همان، ش ۳۸، رجب ۱۳۲۵: ۴.
۳. همان، ش ۹۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴؛ همان، ش ۹۶، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴.
۴. برای اطلاع از این حوادث ر.ک. به: همان، ش ۵، صفر ۱۳۲۵: ۷ (تصادف شهری)؛ همان، ش ۲۱، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۴ (زد و خورد در باب موقوفات)؛ همان، ش ۲۴، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲ (عقد غیر شرعی)؛ همان، ش ۱۱۳، محرم ۱۳۲۵: ۱-۲ (قتل).
۵. نکته جالبی که از افکار و آمال میرزا محمدصادق می‌توان فهمید، انگیزه فراوان جهت تشویق امر مدرسه و کتابخانه بوده است. به‌طوری که ورود تمدن مدرن را منوط به آموزش و پرورش می‌داند. زیربنای آن را هم آموزش از پایه نونهالی می‌داند. برای اطلاع بیشتر از افکار وی ر.ک. به: همان، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۴-۵ (درباره آموزش نونهالان)؛ همان، ش ۴، صفر ۱۳۲۵: ۷-۸ (قرار تأسیس قرائتخانه)؛ همان، ش ۵، صفر ۱۳۲۵: ۶-۷ (اعانه به مدرسه رحیمیه)؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲ (تأسیس قرائتخانه سعادت)؛ همان، ش ۱۴، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸ (قرائتخانه سعادت)؛ همان، ش ۲۲، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۳-۴ (مدرسه رحیمیه سعادت)؛ همان، ش ۲۳، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۱-۳ (مدرسه معرفت)؛ همان، ش ۴۲، رجب ۱۳۲۵: ۴ (تأسیس قرائتخانه ملی)؛ همان، ش ۵۶، رمضان ۱۳۲۵: ۳-۴ (مدرسه رحیمیه)؛ همان، ش ۷۶، ذیقعه ۱۳۲۵: ۴ (اعانه به مدرسه)؛ همان، ش ۷۷، ذیقعه ۱۳۲۵: ۱-۲ (مدرسه معرفت)؛ همان، ش ۸۳، ذیقعه ۱۳۲۵: ۴ (استعفانامه اجزای مدرسه معرفت)؛ همان، ش ۸۴، ذیقعه ۱۳۲۵: ۱ (بقیه استعفا نامه)؛ همان، ش ۱۱۹، محرم ۱۳۲۵: ۱ (مدرسه رحیمیه سعادت)؛ همان، ش ۱۲۰، صفر ۱۳۲۶: ۲ (مدرسه رحیمیه).

شکل گرفتن انجمن معدلت رضوی (انجمن ایالتی)^۱، انجمن بلدیه^۲ و انجمن‌های غیر رسمی^۳، درج اخبار این انجمن‌ها یکی از مهمترین بخش روزنامه را تشکیل می‌داد.

۳-۳- انعکاس درخواست‌ها، مشکلات و اعتراض‌های ولایات خراسان

خورشید در شماره‌های متناوب درخواست‌ها و اتفاقات ولایات مختلف خراسان از جمله بجنورد، سبزوار، شیروان، قوچان و ... را درج کرده است. این روزنامه حوادث مختلفی از ولایات از جمله قتل و غارت، اعتراضات مردمی، تعدیات و اجحاف‌گری‌ها، جریان فروش دختران و استرداد آنان، ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی، حوادث ناگوار و ... را منعکس می‌کرد.^۴

۱. انجمن معدلت رضوی که بعضاً در روزنامه از آن به‌عنوان مجلس ملی، انجمن ملی و انجمن ایالتی یاد می‌شود ابتدا همانند دیگر ایالات و ولایات ایران برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی شکل گرفت. ولی بعدها که نظامنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ربیع الثانی ۱۳۲۵ تصویب و به سراسر کشور ابلاغ شد؛ این انجمن با انتخاباتی قانونی و جهت حل مشکلات ایالت خراسان شکل گرفت.

۲. درباره انجمن بلدیه شهر مشهد پیشتر طی مقاله‌ای به‌صورت مفصل بدان پرداخته‌ایم (ر.ک. به: بیطرفان: ۱۳۹۱).
۳. درباره انجمن‌های غیر رسمی شهر مشهد در دوره مشروطیت ر.ک. به: خورشید، سال اول، ش ۸، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۳ (انجمن سعادت)؛ همان، ش ۱۰، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۳-۴ (انجمن سعادت)؛ درباره تأسیس «قرائتخانه سعادت» توسط این انجمن ر.ک. به: همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲؛ همان، ش ۴۱، رجب ۱۳۲۵: ۳؛ همان، ش ۸۱، ذیقعه ۱۳۲۵: صص ۳-۴ (انجمن برادران خراسان)؛ همان، ش ۴۱، ذیقعه ۱۳۲۵: ۴ (انجمن برادران خراسان)؛ همان، ش ۱۱۵، محرم ۱۳۲۵: ۳-۴ (لایحه انجمن اثنی عشریه)؛ همان، ش ۱۱۹، محرم ۱۳۲۵: ۲-۱ (انجمن سعادت).

۴. خورشید حوادث مختلف ولایات خراسان را درج نموده است که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌های تحقیقاتی مهمی را فراهم نموده است. ر.ک. به: همان، ش ۶۱، رمضان ۱۳۲۵: ۴ (قتل و غارت در سبزوار)؛ همان، ش ۹۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴ (قتل)؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۶ (اعتراض مردم قائنات)؛ همان، ش ۴۴، شعبان ۱۳۲۵: ۴ (اعتراض رعایای نردین)؛ همان، ش ۷۵، ذیقعه ۱۳۲۵: ۴ (اعتراض به گاریچی‌های مسیر مشهد به تربت)؛ همان، ش ۸۱، ذیقعه ۱۳۲۵: ۱-۳ (تظلم کوه سرخیان)؛ همان، ش ۸۳، ذیقعه ۱۳۲۵: ۲ (اعتراض رعایای ربع شامات)؛ همان، ش ۸۹، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴ (عریضه رعایای درجز)؛ همان، ش ۱۰۷، محرم ۱۳۲۵: ۳-۴ (عریضه اهالی طبس)؛ همان، ش ۳، صفر ۱۳۲۵: ۵ (سبزوار)؛ همان، ش ۸، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۴-۵ (تربت)؛ همان، ش ۱۰، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۲ (شیروان)؛ همان، ش ۷۴، ذیقعه ۱۳۲۵: ۱-۲ (تجاوزات ترکمانان)؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۵-۶ (فروش دختران لطف‌آباد)؛ همان، ش ۱۳، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸ (استرداد دختران)؛ همان، ش ۲۴، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۳ (فروش دختران)؛ همان، ش ۲۸، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۳ (فروش زنان)؛ همان، ش ۷۴، ذیقعه ۱۳۲۵: ۳ (استرداد تعدادی از زنان تورنگ تپه)؛ همان، ش ۹۴، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴ (استرداد تعدادی از دختران عباس‌آباد)؛ همان، ش ۹۹، ذیحجه ۱۳۲۵: ۲ (استرداد تعدادی دیگر از زنان عباس‌آباد)؛ همان، ش ۱۰۱، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴ (استرداد تعدادی از دختران عباس‌آباد)؛ همان، ش ۱۱۷، محرم ۱۳۲۵: ۳ (استرداد دختران)؛ همان، ش ۲، محرم ۱۳۲۵: ۵-۶؛ همان، ش ۲۹، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۲؛ همان، ش ۳۹، رجب ۱۳۲۵: ۲-۳؛ همان، ش ۹۲، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱؛ همان، ش ۳۹، رجب ۱۳۲۵: ۲؛ همان، ش ۶۲، رمضان ۱۳۲۵: ۲-۳.

در کنار آن به درج اخبار فرهنگی هم علاقه نشان می‌داد. مثلاً در شماره‌های وقایع‌نگار روزنامه طی خبری از بجنورد ضمن گزارش آرامش و آسایش اهالی به نکته ژرفی اشاره می‌کند: «چند نفر از محترمین عجالتاً یک باب قرائت‌خانه دائر کرده‌اند که در آنجا از هر نوع روزنامه بگذارند، مردم این ولایت که چندان بضاعتی برای خرید جراید ندارند. در آنجا روزی یکساعت مشغول مطالعه اخبار شده، شاید چشم و گوششان باز شده، از این خواب جهل و غفلت بیدار شوند».

این سخن خود نشان می‌دهد دوره اول مشروطیت، زمینه‌های مساعدی را برای آگاهی توده مردم با رویکرد به قانون، مشروطیت و ... را فراهم آورد. همچنین روشنگری واعظان و روحانیون در مسجد و منبر، خبررسانی باسوادان از طریق جراید در قهوه‌خانه‌ها و بعضاً انجمن‌ها و موارد بی‌شمار دیگری، باب‌های متناوبی برای آشنایی مردم با اندیشه‌های نوین گشود. اما درک مردم از قانون و مشروطیت بیشتر حول مسائل رفاهی و معیشتی بود. بنابراین بیشتر گرایش عوام بر روی اخبار اجتماعی و معیشتی می‌چرخید و کمتر توجه به مسائل سیاسی کلان و علمی در نگاه آنان جا می‌گرفت.^۱

۳-۴- نگاه خاص به حالات و اتفاقات کانون جریان‌های سیاسی کشور (تهران)

و دیگر ایالات و ولایات ایران

روزنامه خورشید نگاه ویژه‌ای به تحولات سیاسی و اجتماعی شهر تهران داشت. چنان‌چه در اغلب شماره‌های این جریده عنوان "خلاصه اخبار طهران" به چشم می‌خورد. خورشید در این بخش بیشتر به خبرهای مجلس و دولت اهمیت می‌داد. ولی این بدان معنا نیست که دیگر اخبار مهم تهران را درج نمی‌کرد. درباره شهرهای دیگر ایران خبرهای چندی ارائه نمی‌شد. بیشتر این خبرها مربوط به تلگراف‌هایی بود که به انجمن ایالتی خراسان می‌شد و روزنامه طبق آن رسالتی که داشت آنان را درج می‌کرد.

برخی خبرها و مقالات را هم وقایع‌نگاران، مردم و یا شخصیت‌های شناخته شده برای این روزنامه ارسال می‌کردند؛ که از آن جمله می‌توان به (۱) خبر کمک یکی از نسوان

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: آبادیان و بیطرفان، ۱۳۹۱: ۲-۴.

قزوین به بانک ملی،^۱ ۲) نارضایتی رعایای املاک آقا نجفی و اعتراض آنان به انجمن ملی اصفهان،^۲ ۳) مقاله در رابطه با شهر سیستان که نویسنده معترض بود چرا بدان شهر رسیدگی نمی‌شود،^۳ ۴) خبرهایی در رابطه با انجمن ولایتی استرآباد،^۴ ۵) نگارش مقاله جهت همدردی با رنج‌های مردم آذربایجان^۵ ۶) خبری در رابطه با شهادت یکی از مشروط خواهان بزرگ یزد^۶ و ۷) خبر از وقایع حزن‌انگیز تبریز^۷ اشاره نمود.

۳-۵- نشر اخبار خارجی

کمترین بخش روزنامه خورشید مربوط به درج اخبار خارجی بود. به نظر می‌رسد کم بودن صفحات روزنامه و فراوانی اخبار یکی از دلایل مهم عدم نشر اخبار خارجی بود. به هر حال، خورشید به برخی از خبرها علاقه نشان می‌داد که عبارتند از: ۱) بررسی شکست روس از "دولت عادلۀ ژاپون" و شکل‌گیری مجلس "دومای" دولت روس،^۸ ۲) خبر مبنی بر زلزله در حوالی تاشکند که در حدود ۱۵۰۰ نفر جان باختند،^۹ ۳) خبر از دسیسه "فرقه آزادی طلبان" و کشف آن در امپراطوری عثمانی،^۴ ۴) انصراف سلطان مراکش از گرفتن قرض از دولت فرانسه به خاطر شرایطی که استقلال این کشور را هدف قرار داده بود،^۵ جنبش ملی اسلامی مسلمانان هند در مقابل دولت انگلیس.^{۱۰} با نگاه به عنوان مطالب می‌توان پی به هدف سیاسی خورشید برد و یکی از مهم‌ترین رسالت این مقالات یا خبرها، شناخت استعمار بود.

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۳، صفر ۱۳۲۵: ۸؛ همان، ش ۴، صفر ۱۳۲۵: ۴-۵.

۲. همان، ش ۵، صفر ۱۳۲۵: ۳-۴.

۳. همان، ش ۸، ربیع‌الاول ۱۳۲۵: ۳-۶.

۴. خورشید در میان ایالات و ولایات ایران به غیر از تهران، توجه ویژه‌ای به وقایع استرآباد دارد (همان، ش ۴۸، شعبان ۱۳۲۵: ۲؛ ش ۵۷، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۵، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۶، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۹، رمضان ۱۳۲۵: ۲؛ ش ۶۲، رمضان ۱۳۲۵: ۳؛ ش ۶۴، شوال ۱۳۲۵: ۳؛ ش ۶۵، شوال ۱۳۲۵: ۳-۴؛ ش ۶۸، شوال ۱۳۲۵: ۲؛ ش ۹۲، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴).

۵. همان، ش ۵۸، رمضان ۱۳۲۵: ۱-۲.

۶. نکته جالب در این خبر تنبه اهالی یزد به جریان مشروطیت از طریق جراید بود (برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: خورشید، سال اول، ش ۷۸، ذیقعدۀ ۱۳۲۵: ۴).

۷. همان، ش ۱۱۱، محرم ۱۳۲۶: ۳-۴.

۸. همان، ش ۲، محرم ۱۳۲۵: ۸.

۹. همان، ش ۶۲، رمضان ۱۳۲۵: ۴.

۱۰. همان، ش ۹۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱-۲.

۳-۶- درج سلسله مقالات سیاسی جدی و طنز

یکی دیگر از بخش‌های مهم خورشید یا شاید مهمترین آن، چاپ مقالات سیاسی طنز و جدی بود. این مقالات که به‌طور سلسله‌ای به طبع می‌رسید معمولاً بیان‌کننده ذهنیت نویسندگان بود. روزنامه خورشید در شماره اول از "از ادبا و دانشمندان ملت" دعوت می‌کند که «نتایج افکار خودشان آنچه [را که] موجب تنبّه و بیداری ملت و باعث آبادی وطن و آسایش ابناء وطن» است را مرقوم دارند تا در جریده چاپ شود.^۱

بر این اساس، برخی از بزرگان به همکاری با این روزنامه جذب شدند. شخصی به نام مستعار "ساده گو" با یک سلسله مقالاتی با عنوان "مقاله ساده گویان" به این دعوت پاسخ مثبت داد. وی در جریان معرفی خود که بیشتر به‌طور طنز بر بی‌علم و عوام بودن خود تأکید می‌کرد، می‌آورد: «از این گذشته ما عوام هم می‌خواهیم در این جریده ملی حقی داشته باشیم ... این‌را بدانید که چون عده ما عوام بیشتر از شما خواص است صفحه ما نیز بهتر رواج خواهد داشت. و از آنجائی که نکات دقیقه و مرموزه انشائیّه را نمی‌توانیم از عهده برائیم اظهارات ما پس صریح‌تر و واضح‌تر از اظهارات شما خواهد بود و عنقریب خواهید دید که ما عوام‌الناس که از قیودات رسمیت و تعارفات خصوصیت عادی و بری هستیم ترقیات فوق‌العاده خواهیم کرد و از نتایج افکار خود یادگارهای بزرگ خواهیم گذارد که شما خواص و دانایان از عهده آن بر نخواهید آمد».^۲

این مقدمه خود نشان از خمیرمایه افکار مقاله‌نویس دارد که در شماره‌های آتی به طنزهای (هر چند تلخ) سیاسی و اجتماعی می‌پردازد و با زبان عوام با مردم سخن می‌گوید. جالب اینکه با توجه به هم رأی نبودن صاحب امتیاز جریده خورشید با برخی از مقالات "ساده گو"، این مقالات منتشر می‌شد.^۳

شخصی دیگری با نام مستعار "ملا بی‌پروا" سلسله مقاله‌ای طنز با عنوان «جواب میرزای ترسوی کاشانی از ملا بی‌پروای خراسانی (از چه میترسی؟ برادر جان! نترس)»، بر

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۳.

۲. همان، ش ۳، صفر ۱۳۲۵: ۳-۵.

۳. همان، ش ۱۴، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸.

علیه مخالفان روحانی نظامنامه بلدیّه نگاشت.^۱ ولی رفته رفته، دیگر جنبه‌های اجتماعی و سیاسی را در بر گرفت. در جواب هم «میرزا ترسو جواب ملا بی پروا را می‌دهد» در پاسخ به فرد قبلی نگاشته شد. که این جواب نشان دهنده وضعیت خراب شهر و جامعه مشهد آن دوره است.^۲

مقالات سیاسی مختلفی هم در این جریده به رشته تحریر درآمده است که می‌توان به برخی از آنان اشاره نمود:

۳-۶-۱- مقاله "مصلح اتحاد و مفاسد نفاق" که نگارنده بیشتر به فواید مقوله اتحاد

ایرانیان می‌پردازد.^۳

۳-۶-۲- مقاله "حوادث زمان یا بدبختی ایرانیان"، که به بررسی موانع و مشکلات

کشور می‌پردازد؛ تا علت این همه "انقلابات" و تجاوزهای بیگانگان به کشور را دریابد.^۴

۳-۶-۳- مقاله "ایضاحات در خصوص آزادی"، که خلاصه کوتاهی از رساله عبدالرحیم

طالبوف است. نویسنده براساس مقتضیات زمانی خرید و خواندن آن را به خوانندگان توصیه می‌کند. چنانچه این "وجیزه نافع" [را] برای ایناء وطن از ضروریات "می‌دانست.

زیرا "با الفاظ سهل و ساده معنی آزادی و تکالیف ملت و وکلاء و غیره را" بیان می‌کرد.^۵

۳-۶-۴- مقاله‌ای دیگر با عنوان "ملت از وزراء چه می‌خواهند" و "ملت از وکلا چه

می‌خواهد" به خامه یکی از جوانان وطن نگاشته شد. نویسنده در ابتدا به صورت کلی

خیانت وزراء به ملت را می‌نماید. به طوری که از آنان می‌خواهد حداقل این که کمکی

نمی‌کنند باری بر دوش ملت نگذارند و "بر زخمشان نمک" نپاشند. و از نمایندگان

ملت می‌خواهد ترس را کنار بگذارند و از این فرصت تاریخی استفاده کنند، تا بتوانند

قدمی، ملت ایران را از منجلاب استبداد برهانند؛ تا «انشاءالله چیزی نگذرد که نیر اقبال

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۰۰، ذیحجه ۱۳۲۵: ۳-۴.

۲. درج سلسله مقالات طنز که پیشتر در اوائل دوره مشروطیت از قلم دهخدا در روزنامه صوراسرافیل به اوج رسید، یکی از مهمترین بخش‌های روزنامه است که باب میل عوام بود. و توده مردم بیشتر به این بخش توجه داشتند. ر.ک.

به: همان، ش ۱۰۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۰۴، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱-۲؛ ش ۱۰۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۳-۴؛ ش ۱۰۸، محرم ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۰۹، محرم ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۱۲، محرم ۱۳۲۵: ۱-۲؛ ش ۱۱۷، محرم ۱۳۲۵: ۱-۲.

۳. همان، ش ۸، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۸.

۴. همان، ش ۳۷، رجب ۱۳۲۵: ۱-۴.

۵. همان، ش ۳۹، رجب ۱۳۲۵: ۱-۲؛ همان، ش ۴۱، رجب ۱۳۲۵: ۴.

از محاق زوال با رخسار نورا چهره بیضا به نماید و بخت بیدار از پس حجاب ادبار رخ بگشاید و دل‌های غمگین وطن پرستان شاد و ایران ویران آباد گردد»^۱. وی در چند شماره بعد مقاله "ملت از ارباب جراید چه می‌خواهد" را می‌نگارد.^۲

۳-۶-۵- مقاله و یا بهتر بگوییم اعلامیه‌ای از طرف روزنامه با عنوان "قابل توجه اعیان عظام و اشراف فخام خراسان" چاپ شد که از تعلق یک ساله آنان برای فرستان وکیل به دارالشورای ملی گلایه می‌کرد. این جریان در صورتی بود که قریب به اتفاق وکلای اعیان شهرهای ایران در مجلس حضور یافته بودند.^۳ از این گذشته از کل ۱۲ نفر وکلای ایالت خراسان تا این تاریخ، فقط پنج نفر در مجلس حاضر بودند.

۳-۶-۶- مقاله‌ای با عنوان "برادران وطن وقت همت است"، به شرایط اسفبار منطقه آذربایجان اشاره می‌کند که از هر طرف، درگیر تجاوز نیروهای عثمانی، شرارت اکراد و ظلم‌های اقبال‌السلطنه ماکویی قرار گرفته بود. وی در این مقاله به طور ضمنی از مردم مناطق دیگر گلایه می‌کند که فقط با فرستادن تلگراف و یا گریه و روضه‌خوانی خون شهدا و زجر مردم آذربایجان را پاس می‌دارند.^۴

۳-۶-۷- نویسنده در مقاله‌ای با عنوان "قانون اساسی روح حیات ملیت"، قانون اساسی را "قوه جان‌مدنیت و فرمان‌آزادی و یرلیغ مشروطیت" عنوان می‌کن. و در ادامه به نحوی از انحاء، پیشرفت و تعالی کشور را براساس آن اعلام می‌کند.^۵

۳-۶-۸- مقاله‌ی "الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم" پیشتر برای تأیید نابودی ظلمت علیه ظالم به عنایت پروردگار عالم به رشته تحریر آراسته شده است. نویسنده با تحلیل این آیه در نظر دارد به‌طور تلویحی نشان دهد رشته ظلمت در مدار عنایت الهی نیست و سقوطش حتمی است. نویسنده می‌آورد: «خداوند همواره نظر به ثبات حکمت خویش جل‌اسمه مدافعه از طبقات ضعفا فرموده دست ظالمرا قطع نماید اما کفر چنین نیست چه قبح کفر مادامیکه ضد نظام عالم واقع نشده چون امری است

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۴۴، شعبان ۱۳۲۵: ۴.

۲. همان، ش ۵۲، رمضان ۱۳۲۵: ۱-۲.

۳. همان، ش ۴۶، شعبان ۱۳۲۵: ۱.

۴. همان، ش ۵۱، شعبان ۱۳۲۵: ۱-۲.

۵. همان، ش ۶۰، رمضان ۱۳۲۵: ۱-۴.

که جزای او موکول بدارالبقاء است حکمت تکوینی عالم معارضت با او نمیکند ...»^۱

۳-۶-۹- نویسنده در مقاله‌ای با عنوان "راه آبادی ایران یا اقتضاء طبیعت مملکت" با هوشیاری فراوان نسبت به امور سیاسی، از غافلان می‌خواهد "در پی چاره جوئی دردهای بیدرمان" براساس "استعداد فعلی" و "جغرافیایی طبیعی و سیاسی" باشند. و "نظر به مقتضیات عصری" از تقلید صرف از روش و منش اروپائیان در آمده و «بفراخور وضع مملکت و اهالی و استعدادات اسباب ... بارعایت وضع مرز و بوم ایران و قواء طبیعه ایرانیان و حدود مذهبی ایشان ... بی عجلت بر آنچه پیشرفت آن مایه اختلال باشد با همین قوای جانی و مالی و توانائی اهالی» با کوشش فراوان به پیشرفت ایران قیام کنند. وی تقلید کامل بدون در نظر گرفتن مبانی فکری و مذهبی ایران را مضر می‌داند. چنانچه مثال می‌آورد اگر کشورهای آسیایی همچون "ژاپون" فقط در "مصالح لازمه" از اروپایی‌ها تقلید می‌کردند، امروز وضعیتشان "بایندرجه از ابتذال و استیصال" نمی‌رسید. وی اعتقاد دارد اروپایی‌ها به واسطه "فرط وطن پرستی و استقلال مزاج"، ژاپنی‌ها نتوانستند آنان را از پیشرفت باز دارند. ولی برعکس در آسیا آنچه که از مدل اروپایی برداشت شد همچون «صورت‌پروری و ظاهرسازی و تغییر لباس و غناء سازنده‌گی و رقص و طرب و لبس و اکل و شرب و پذیرفتن تیاترها و بناء عمارات عالیه خانه خراب کن و مبل و اسباب زینت و آزادی از قید اخلاق و مردمی و ممیزات قومی اهالی مصر و هند و ایران حقیقتاً داد تقلید را باعلا درجه داده‌اند [در صورتی که] ژاپون و چین از این تلونات و هرزه مزاجیها ابداً» تقلید نکردند. وی با نکته سنجی می‌گوید «مسلم است که نفس جمهوریت و یا مشروطیت بی‌رعایات طبیعیات مملکت و استعدادات ملت و مقتضیات فطرت برای عمران بلاد و آسایش و اصلاح حال عباد وافی و کافی نیست».

نویسنده در ادامه با بیان مثالی به تشریح عقیده خود می‌پردازد. وی "ونیزولا"^۲ را مثال می‌آورد که "یکی از دول جمهوری امریک" است ولی به خاطر عدم «رعایت طبیعیات ملکی و استعدادات اهالی خواسته است ترقی و عمرانی بهم رساند و با داشتن نسخه کیمیای جمهوریت حال او شبیه باحوال ما است یعنی ترقی معکوس می‌کند و دیگری

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۹۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱-۲.

۲. ونزولا

دولت (پرتگیز)^۱ در اروپا از دول مشروطه است بآنکه چندی قبل دعوی شاهنشاهی داشت امروز بواسطه جهل و غفلت از مقتضیات زمانه حالش زبون و ترقیاتش واژگون است^۲ ... و در مقابل سلطنت‌های بسیار کوچک مثل بلجیک و یونان را ملاحظه فرمائید که بچه مایه از ثروت و ترقی رسیده‌اند». نویسنده سپس با برشمردن معایب ایرانیان می‌آورد: «اول باید مرض را فهمید و سپس باندازه صلاحیت دوا در کام مریض ریخت تا بهبودی» حاصل شود.^۳

۳-۶-۱۰- نویسنده‌ای در مقاله‌ای با عنوان "مشروطه چیست و استبداد کدام است"، تلاشی ارزشمند جهت آگاهی عوام به حقوق خود انجام داد. نویسنده ابتدا عقل را به دو وجهه بیدار و خفته تشبیه می‌کند. سپس مشروطه را به سان عقل بیدار و استبداد را همانند عقل خفته فرض می‌پندارد و مشروطه را بدیل علم و استبداد را عوض جهل تشبیه می‌کند. چنانچه می‌گوید: «زهی آن بی‌خردی که ترجیح دهد جهل را بر علم ... عدل بهتر است از ظلم زهی جهالت که ترجیح دهد ظلم را بر عدل ... نور بهتر است از ظلمت ... زهی کوه‌نظری که ترجیح دهد ظلمت را بر نور و شک نیست ایضاً که آقائی و بزرگی و سعادت و قوت و عزت و شوکت بهتر است از بندگی و اسارت و ضعف و ذلت^۴ ... و نیز شک نیست که آزادی عقول و علوم و نفوس بر نهجیکه در فرامین انبیاء مدون است بهتر است تا از مسجون بودن در تحت فرمان دو سه نفر که نه خدا بداند و نه پیغمبر و نه امام و نه کتاب و مشروطه که ما می‌طلبیم همان اولی است ...»^۵.

۳-۶-۱۱- نویسنده با نگارش مقاله‌ای با عنوان "فلفل نبین چه ریزه است" به تشریح دست‌اندازی انگلستان به ممالک هند با همان ترفند شرکتهای تجارتي می‌پردازد و در ادامه با ذیل مطلبی به نام "انتباه" از عدم شعور سیاسی ایرانیان گله می‌کند. به‌طوری

۱. پرتقال

۲. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۹۴، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱-۲.

۳. همان، ش ۹۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱.

۴. همان، ش ۹۸، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴.

۵. همان، ش ۹۹، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱. این مقاله در ادامه همان «مشروطه چیست و استبداد کدام است» آمده که در این شماره، نویسنده و یا مطبوعه دچار خبط شده و آن را در ذیل مقاله «راه آبادی ایران یا اقتضاء طبیعت مملکت» آورده است.

که مثال استقبال مردم از نشر شعب بانک استقراضی را می‌آورد.^۱

۳-۶-۱۲- نویسنده در مقاله‌ای با عنوان "آلمان و حیات قومی"، تلاش گسترده معارف‌خواهان آن کشور جهت پاکسازی زبانشان از لغات بیگانه را مطرح می‌کند. ولی این مسأله، مقدمه‌ای بر مطالب ذیل آن تحت عنوان "انتباه" است. نویسنده پس از طرح آگاهی ملت آلمان، از قشر خواص خرده می‌گیرد که به جای این که مقدمات حذف لغات بیگانه را از زبان فارسی مهیا کنند، خود به ورود لغات بیگانه دامن می‌زنند.^۲

۳-۷-۷- درج "اعلانات" یا تبلیغات

چاپ تبلیغات و یا به قول خود روزنامه "اعلانات" از لحاظ بررسی‌های اجتماعی بسیار مهم و مفید است. نخستین اعلانات از شماره ۱۰ روزنامه آغاز شد که بدین قرار است:

۳-۷-۱- برخی اعلانات درباره فروش بلیط شرکت‌های مسافرتی بود. مثلاً نخستین اعلان در رابطه با مسافرت از مشهد به عشق آباد، از طریق "اداره چاپارخانه" بود. این تبلیغ در جایی جالب می‌شود که روزنامه با برشماری مزیت این امر به تهییج مردم می‌پردازد: «در این صورت مسافرت با چاروادار یا فورکون غیر پستی آن‌هم با کرایه گزاف شرط عقل نیست». اعلان دیگر در رابطه با خبر "رئیس کشتی بخاری" به ریاست دوبرو ولنی پروت بود. در این آگهی مسیر و زمان حرکت کشتی از "باطوم الی جده" مشخص شده بود و به مسافری و "حجاج بیت الله الحرام" اعلام کرده بود می‌توانند با این کشتی به سفر بپردازند.^۳

۳-۷-۲- اعلان بعدی در رابطه با استخدام یک معلم ابتدائی برای مدرسه رحیمیه بود که از تعلیم دروس ابتدائی "بوضع جدید" آگاه باشد.^۴

۳-۷-۳- اعلان دیگر جنبه تولید کار داشت و در رابطه با جذب "دو سه نفر طفل

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۰۸، محرم ۱۳۲۶: ۲-۳.

۲. همان، ش ۱۱۵، محرم ۱۳۲۶: ۱-۲.

۳. این تبلیغات به صورت سلسله‌ای و در چندین شماره روزنامه درج گردیده است: همان، ش ۱۰، ربیع الاول ۱۳۲۵:

۸؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸؛ همان، ش ۱۳، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸؛ همان، ش ۵۱، شعبان ۱۳۲۵: ۴؛

ش ۵۲، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۳، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۴، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۷، رمضان ۱۳۲۵: ۴.

۴. همان، ش ۱۰، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۸؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸.

زیرک، باهوش، درستکار با ضامن" برای فروش روزنامه خورشید بود.^۱ به نظر می‌رسد دفتر روزنامه نتوانسته بود کودکانی را برای فروش روزنامه جذب کند. زیرا در چند شماره بعد جریده خورشید از اهالی خواهش می‌کند «چند نفر آدم برای فروختن روزنامه یومیه در اداره خورشید لازم است. از اشخاص بیکار مستدعی است برای رفع بیکاری و کسب روزی رجوع فرمایند. ده یک حق‌العمل داده می‌شود».^۲ باز به نظر می‌رسد روزنامه نتوانسته بود به اهداف خود دست یابد. زیرا سرانجام تصمیم گرفت مکان‌های ثابتی برای فروش روزنامه‌ها در شهر جستجو کند. برای وهله اول دکان آقامشهدی ابوالقاسم سقط فروش تبریزی و «قرائت‌خانه» آقا میرزا اسدالله در محله «بالاخیابان» در نظر گرفته شد. همچنین اعلان داده شد که دو مغازه یکی در بازار و دیگری در «پائین خیابان» لازم است که با همان حق‌العمل «ده یک» خود را به اداره معرفی نماید.^۳ بعدها محل مغازه هم در بازار تیمچه محمدیه، اطاق حاج علی اصغر تاجر اسکویی معین می‌شود.^۴ جالب این‌که از شماره ۱۵ رویه ترتیب اعلان تغییر کرد. به زبان دیگر، برخلاف رویه قبل که اعلانیه‌ها در صفحه آخر قرار داشت و سطری ده شاهی قیمت داشت، اینک صفحه اول هم آگهی می‌پذیرفت، بدین تفاوت که سطری یک قران قیمت داشت.

۳-۷-۴- نوع دیگر اعلانات، تبلیغ فروش کتاب‌های رمان تاریخی و اجتماعی هم چون سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک، سیاحت‌نامه حاجی‌بابا اصفهانی و مکالمه سیاح ایرانی با شخص هندی بود.^۵

۳-۷-۵- برخی اعلانات هم جنبه اختطاری - خبری داشت. به‌عنوان نمونه در شماره‌ای

۱. همانجا.

۲. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۵، جمادی الاول ۱۳۲۵: ۱.

۳. همان، ش ۱۹، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۴.

۴. همان، ش ۶۱، رمضان ۱۳۲۵: ۴.

۵. همان، ش ۱۲، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۴. همچنین اعلان فروش کتاب «تاریخ مصور جنگ شرق اقصی یعنی محاربه دولتین روس و ژاپون» که از فرانسوی به فارسی ترجمه شده بود (همان، ش ۴۵، شعبان ۱۳۲۵: ۴)؛ «نظامنامه قانون اساسی» منتشر شده در شماره ۱۳۸ روزنامه حبل‌المتین تهران (همان، ش ۵۹، رمضان ۱۳۲۵: ۴)؛ کتاب «کلیات ملکم» اثر میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله (همان، ش ۷۲، شوال ۱۳۲۵: ۴)؛ اعلان فروش «نظامنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و ضمیمه قانون اساسی و نظامنامه انجمن بلدی» در کتابخانه اداره خورشید (همان، ش ۱۰۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴)؛ و دیگر کتاب‌هایی نظیر «میکادونامه»، «خانم شامی»، «بساتین العلماء در رد بابیه». جالب این‌که خورشید اعلان می‌کند «غیر از اینها هم هر کس هر کتابی از طهران یا جای دیگر طالب باشد و [پول] او را نقد بدهد بتوسط پست خواسته می‌شود» (همان، ش ۱۱۲، محرم ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۱۳، محرم ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۱۴، محرم ۱۳۲۵: ۴).

به شهروندان مشهیدی اعلان می‌شود که قراولان و سربازان حق تعرض به بارها را ندارند و در صورت مشاهده با آنان برخورد می‌گردد. در اعلان دیگر از طرف انجمن معدلت رضوی به مردم اعلام می‌شود «بموجب مفاسدیکه بر اطاق شیره‌کش‌خانها و منازل عرق فروشی و منازل فواحش مترتب» بوده، امر به بستن آنها شده است. چنان که کسی در همسایگی خود مشاهده نمود آن را به جناب بیگلربیگی اطلاع بدهد.^۱ در اعلانی دیگر می‌آید: «چون انجمن مقدس ارض اقدس در ابتداء تأسیس و تشکیل محض انتساب آستان قدس بانجمن معدلت رضوی موسوم شده ولی در این اوان بر حسب اقتضاء زمان بعموم اهالی خراسان و سایر بلدان ابلاغ و اعلان می‌شود که من بعد عنوان نوشتجات غیره بعنوان انجمن ایالتی خراسان خواهد بود».^۲

۳-۷-۶- بعضی اعلانات هم در رابطه با فروش املاک بود و جنبه شخصی داشت. برای مثال در روزنامه آمده بود که «یکباب خانه در کوچه باغ جناب نایب‌التولیه جنب آب‌انبار محمدعلی خان بقیمت معمار بفروش میرسد ...».^۳

۳-۷-۷- اعلان دیگر جنبه تجاری داشت. خورشید در شماره ۴۰ اعلان می‌دهد که «فروش نفت اداره شمسی اسدالله اوف و عبادبیک اوف» از جناب حاجی جبارآقا منقطع و به محمدصادق تبریزی (نویسنده خورشید) واگذار شد.^۴ این بود تا این که مدتی بعد طی اعلانی دیگر صادق تبریزی این وکالت را به خود اسدالله اوف مسترد می‌کند.^۵

۳-۷-۸- بعضی اعلانات جنبه فرهنگی داشتند. مثلاً در اعلانی «تأسیس قرائت‌خانه ملی در دارالخلافة طهران» را به همگان تبریک گفته بود.^۶

۳-۷-۹- اعلان دیگر اعلامیه‌ترحیمی بود.^۷

۳-۷-۱۰- برخی اعلانات هم جنبه رفاهی داشت. مثلاً در یک اعلان، افتتاح حمام

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۴، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸.

۲. همان، ش ۶۳، شوال ۱۳۲۵: ۴.

۳. همان، ش ۱۹، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۴.

۴. همان، ش ۴۱، رجب ۱۳۲۵: ۱.

۵. همان، ش ۶۵، شوال ۱۳۲۵: ۱.

۶. همان، ش ۴۲، رجب ۱۳۲۵: ۴.

۷. همان، ش ۷۰، شوال ۱۳۲۵: ۴.

تازه و پاکیزه به اطلاع عموم رسید.^۱ اعلان مهم دیگر در رابطه با تبلیغات مطب پزشکی عین‌الحکما بود. در این اعلانیه آمده بود: «این بنده میرزا یعقوب خان معروف عین‌الحکماء در عمل جراحی و کحالی تکمیل تحصیل نموده در خدمت ابناء وطن حاضر است، مخصوصاً در معالجه امراض چشم از سبل و غیره و دفع آب مروارید بمیل زدن چشم ...».^۲

۳-۷-۱۱- اعلان دیگر در رابطه با گم شدن برخی اشیاء بود.^۳

۳-۷-۱۲- یکی از کارهای مهم و سودمند خورشید، معرفی کاندیداهای انتخابات انجمن بلدیّه بود. این حرکت خورشید در نوع خود نخستین اقدام یک روزنامه می‌باشد که حتی در جراید دوره اول مشروطیت نظیر آن دیده نشده است. از آنجایی که در مقاله‌ای دیگر درباره انجمن بلدی مشهد بدان پرداخته‌ایم، دیگر طرح آن لازم به نظر نمی‌رسد.^۴

نتیجه

با شکل‌گیری انقلاب و تأسیس نهادهای مشروطیت، نیاز به روزنامه‌هایی برای نشر اخبار مجلس و تحولات سیاسی و اجتماعی کشور بیش از پیش احساس شد. از این رو یکی از مهمترین پیامد تأسیس روزنامه‌های آزاد، جدای از انتقال خبر و رشد آگاهی‌های عمومی، به‌وجود آوردن پیوند زنجیروار بین مردم شهرهای مختلف بود. این حادثه می‌توانست اتحاد مردم را مستحکم و فضای مقابله با جریان‌های استبداد را مهیا نماید. روزنامه خورشید به‌عنوان یکی از روزنامه‌های مهم ایران، همواره این رسالت را همراه خود داشت؛ هر چند در این میان کمتر مورد عنایت پژوهشگران قرار گرفت. روزنامه از لحاظ شکلی دو دوره متفاوت را پیمود. نخست با چاپ سنگی و جوهر نامرغوب پای به عرصه روزنامه‌نگاری نهاد ولی پس از چندین شماره ابتدائی نوع چاپ خود را به سربی تغییر داد که به زیباتر شدن روزنامه کمک شایانی کرد. تحول انتشار روزنامه نیز نشان داد که تعداد خوانندگان و خوانندگان روزنامه افزایش یافته است؛ زیرا تا شش شماره

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۸۳، ذیقعد ۱۳۲۵: ۳.

۲. همانجا.

۳. همان، ش ۹۰، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱؛ همان، ش ۹۱، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴.

۴. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: همان، ش ۹۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۲-۳؛ همان، ش ۱۰۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۳-۴.

نخست هفته‌ای یکبار منتشر می‌شد و از هفته ۱۸ به بعد به نشر چهار نوبت در هفته افزایش یافت.

خورشید به مسلک اعتدالی اداره می‌شد؛ چنان‌چه شناخت آزادی‌ها بر مبنای قانون اساسی را سرلوحه عملش قرار داده بود و صریحاً از افراط‌گری دوری و حتی آن را تقبیح می‌نمود. مقالات سیاسی و علمی آن فوق‌العاده مهم بود؛ تا جایی که به زعم نگارنده در برابر روزنامه‌های معروف هم عصر خود برابری می‌کرد. صورت کلی روزنامه را می‌توان در چند زمینه خلاصه کرد: (۱) خورشید توجه به مسائل شهری و ولایات خراسان را از مهمترین وظایف خود برمی‌شمرد. (۲) شناخت استعمار و راه‌های ورود آنان به درون حیات سیاسی یک کشور. (۳) مهم این‌که خورشید در مقالاتش به بررسی موانع و مشکلات اساسی کشور که جلوی پیشرفت مشروطیت را می‌گرفت، پرداخت. (۴) این روزنامه به تجزیه و تحلیل معنا و مفهوم حریت و آزادی، و تقبیح افراط‌گری و موضع سوءاستفاده از معنای آزادی پرداخت. (۵) تمام تلاش خود را کرد که توده مردم را با حقوق سیاسی، شهروندی و ملی خود با تکیه بر قانون اساسی آشنا نماید. (۶) موشکافی معنا و مفهوم ظلم و عدل در قالب استبداد و مشروطیت. (۷) جریان اتحاد و همیاری تمام ایرانیان از هر نژاد یا مذهب، به واسطه بررسی راهکارهای اتحاد و شناسایی عوامل نفاق. (۸) این روزنامه به‌شدت به غرب‌زدگی در ایران می‌تازد و ژاپن را الگوی نمونه از پیشرفت با فرهنگ خودی معرفی می‌کند. دیگر این‌که روزنامه خورشید حق بزرگی در دوره مشروطیت داشت و تا حدودی توانست با خبرها و مقالات متنوع به تنویر افکار عمومی بپردازد و آخر این‌که، از لحاظ تحقیقات تاریخی و اجتماعی، بزرگ‌ترین خدمت را به پژوهشگران تاریخ و علوم اجتماعی کرد.

منابع

۱. آبادیان، حسین؛ بیطرفان، محمد (۱۳۹۱). "موانع تاریخی رشد مدیریت شهری در دوره اول مشروطه؛ تجربه انجمن‌های بلدی". *مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال دوم، ش ۲ (پائیز و زمستان): ۱-۲۴.
۲. بروان، ادوارد (۱۳۸۶). *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ج ۱. ترجمه محمد عباسی، تهران: علم.
۳. بیطرفان، محمد (۱۳۹۱). "شکل‌گیری اولین انجمن بلدی مشهد در دوره اول مجلس شورای ملی". *مجله تاریخ نو دانشگاه تربیت مدرس*. سال دوم، ش ۴ (پائیز و زمستان): ۱-۲۴.
۴. رابینو، ه ل. (۱۳۸۰). "روزنامه‌های ایران (از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق)". ترجمه جعفر خمایی زاده. تهران: اطلاعات.
۵. رضوانی، محمداسماعیل (۱۳۷۹). *تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران (بشارت، خورشید)*. به کوشش هما رضوانی. تهران: برگ زیتون.
۶. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (۱۳۸۸). *فهرست روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها در سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (از آغاز تا پایان سال ۱۳۸۴)*، ج ۱. به کوشش طاهر مهاجرزاده. زیر نظر رحمت‌الله فتاحی و فرید قاسمی. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۷. صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳). *تاریخ جراید و مجلات ایران*. اصفهان: کمال.
۸. محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶). *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*. تهران: بعثت.
۹. قاسمی، فرید (۱۳۸۹). *مطبوعات ایران*. تهران: علم.

روزنامه‌ها

- روزنامه انجمن ملی مقدّس اصفهان، سال اول، ش ۱۳ (۱۶ صفر ۱۳۲۵)
- روزنامه حبل المتین کلکته، سال چهاردم، ش ۴۲ (جمادی الاول ۱۳۲۵)
- روزنامه حکمت، سال پانزدهم، ش ۸۸۳ (۱ صفر ۱۳۲۵)
- روزنامه خورشید، سال اول، شماره های ۱-۱۲۰ (۲۱ محرم ۱۳۲۵ الی ۱ صفر ۱۳۲۶)
- روزنامه روح القدس، سال اول، ش ۲۸ (۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۶)
- روزنامه صوراسرافیل، سال اول، ش ۱ (۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵)
- روزنامه عدالت، سال دوم، ش ۴۲ (۵ ربیع الاول ۱۳۲۶)
- روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۲۱ (۲۵ صفر ۱۳۲۵)؛ ش ۶۹ (۲۲ شعبان ۱۳۲۵)؛ ش ۱۸۸-۱۸۹ (۲۱ محرم ۱۳۲۶)
- روزنامه معارف، سال اول، ش ۱۹ (۳ ربیع الاول ۱۳۲۵)